

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد<
بخش چهارم

امیرفیض- حقوقدان

اتهام جنگ طلبی

حضرتعالی، علیرغم مخالفت باحمله نظامی به ایران، در سال ۲۰۱۲ خواستار بررسی پرونده جنایت علیه بشریت در ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد شدید. * خواستی که در صورت جدی گرفته شدن و موفقیت، خارج از اراده و نیت حضرتعالی که در بهترین فرض ضد جنگ بوده * بالقوه میتواند تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل زیر عنوان مداخله بشیردوستانه به توسل به زور بیانجامد * این اقدام حضرتعالی بالقوه نقض استقلال سیاسی ایران بوده * که خوشبختانه معدوم ماند<

(از نامه هشدار)

همانطور که آگاهی نقد قسمتی از نامه هشدار که در بالا آورده شده در سهم قسمت سوم تحریر (اصول، مفقود، ادعا موجود) بود که فرصت نشد و اکنون باتفاق به آن ورود میشود.

اراده و قصد در اتهام جنگ طلبی

اتهامی که در نامه هشدار به اعلیحضرت زده شده همراه با تائید خواست و قصد ضد جنگ بودن اعلیحضرت است که لاجرم تسری آن میشود به اراده قاطع و استوار در حفظ استقلال سیاسی ایران.

بنابراین نتیجه گیری از موضوعی که مقدمه آن تائید و اصلح و دارای جواز اجرا باشد، نتیجه آنهم تائید و اصلح است نه اتهام. در حالیکه نویسندگان نامه، اعلیحضرت را بعنوان یک مخالف جنگ با ایران معرفی میکنند نمیتوانند، اتهام جنگ طلبی را به ایشان منتسب کنند. این تعارض در بیان، کار مردم منصف نیست و معمولاً از آن مردم بهانه جوست.

اگر کسی با قصد و اراده به انجام عملی به منظور انجام یک کار خیر مبادرت کند و بواسطه قدرتی که خارج از حیطه آن کس است آن عمل به عواقب غیر پیش بینی منجر شود مسئولیتی متوجه فاعل نمیشود.

** شکایت علیه خامنه ای به علت جنایت ضد بشریت، یک حق و جواز عمومی برای همه مردم جهان است و راهی راهم که حقوق بین الملل برای رسیدگی به مسئله جنایت علیه بشریت پیش بینی کرده است همان راهی است که اعلیحضرت انتخاب فرموده اند؛ که با راه حقوق بین الملل کاملاً موازی است، و از آنجا که طرح شکایت علیه خامنه ای مورد تائید گروه عظیمی از ایرانیان منهای عاملین جنایات ضد بشری و

در راس آنها سیدعلی خامنه ای قرار داشت لذا اقدام اعلیحضرت نه تنها وفق اصول حقوق بین الملل بلکه از پشتیبانی عموم مردم ایران و جهان برخوردار بوده که حتی بصورت تظاهرات و با شعارهای حمایت هم در خارج از ایران ثبت در تاریخ است.

دلیل دیگری که میتواند توجیه کننده رد ادعای نامه هشدار باشد این است که اگر اقدام

اعلیحضرت باب احتمال حمله نظامی را به ایران فراهم میساخت چگونه است که نویسندگان

نامه هشدار که مسلما در آن زمان حیات سیاسی داشته اند وارد مقوله مزبور نشده اند که

سهل است جانبداری هم کرده اند. اجازه بدهید که این تعارض آشکاره حساب کینه توری

و فرصت طلایی گذاشته شود نه هشدار.

فصل هفتم

ادعای نامه هشدار به اینکه ممکن بود شکایت از خامنه ای در شورای امنیت سازمان در جریان فصل هفتم >میتوانست بالقوه سبب حمله نظامی به ایران شود< قصاص قبل از جنایت است که تهیه کنندگان نامه از ترسیم ذهنی و براساس فرض و احتمال آنرا بنا کرده اند. حکم باید براساس عمل انجام شده صورت گیرد نه اعمالی که ممکن است احتمالا بالقوه و یا بالفعل قابل انجام باشد.

✓ فصل هفتم منشور از طریق توصیه و توقف عمل خلاف حقوق بین الملل صورت میگیرد نه جنگ؛ و اگر توصیه موثر نبود اقدامات تنبیهی از قبیل تحریم ها جریان پیدا میکند حالت جنگ زمانی است که هیچیک از طرق پیش بینی شده در مواد بند هفتم موثر نباشد در آن وقت هم تحمیل جنگ کلی نیست و محدود و منحصر به زمان و موارد است.

در قضیه فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی دیدید که با همه مخالفتی که عموم کشورهای عضو شورای امنیت و حتی کشورهای عضو سازمان ملل متحد با جمهوری اسلامی داشتند اقدامات تنبیهی از قبیل تحریم جریان یافت نه جنگ. در جریان گروگان گیری کارمندان سفارت و یا انفجار خوابگاه سربازان آمریکایی در لبنان، آمریکا به سازمان ملل و شورای امنیت شکایت برد ولی هیچیک منجر به تصمیم شورای امنیت مبنی بر اقدام نظامی علیه ایران نشد.

شاهد و ناظر هستیم که گروه هائی از ایرانیان مکرر در مکرر با جمع آوری امضا و به استناد گزارشات حقوق بشری، جمهوری اسلامی را به نقض فاحش حقوق بشر و ارتکاب جنایات بشری و اعدام های ناموجه محکوم و از سازمان ملل خواستار اقدام برای توقف این جنایات جمهوری اسلامی شده اند؛ آیا هیچیک از آنها به شورای امنیت رفت و شورای امنیت هم طبق بند هفتم، قطعنامه حمله نظامی علیه ایران را صادر کرد؟

نقض استقلال سیاسی

در نامه هشدار دامنه اتهام به آنجا کشیده شده که اقدام به شکایت از خامنه ای >بالقوه نقض استقلال سیاسی ایران< بوده است.

ادعای نامه هشدار به این معناست که ایران جمهوری اسلامی دارای استقلال سیاسی بوده و اقدام اعلیحضرت به شکایت از خامنه ای اسقلال سیاسی ایران را نقض کرده است.

✓ <اول برادریت راثابت کن وبعد ادعای ارث ومیراث کن> اول ثابت کن که ایران جمهوری اسلامی دارای استقلال سیاسی بوده وهست وبعد مدعی نقض کردن آن به دلیل طرح شکایت از خامنه ای شوید.

توضیح اینکه هرنوع استقلال اعم از سیاسی واقتصادی متغیر از حاکمیت ملی است. ملتی که حاکمیت ندارد وصغیر است وبقول امام هفتم در حد کف است کجا استقلال سیاسی دارد که شکایت علیه خامنه ای سبب نقض آن شود؟

اینکه آمریکائی ها تمام تاسیسات هسته ای ایران را پیاده و اوراق کنند وجایش هم بتون پُر کنند و ۲۵ سال هم حق راستی آزمائی وسلطه بر ایران را داشته باشند این استقلال سیاسی است؟ آقایان و خانم های کنشگر؟؟!

رئیس جمهوری و وزیر خارجه و رئیس انرژی اتمی عوامل وگماشتگان آمریکاهستند (اظهارات مقامات آمریکائی) باز هم ایران استقلال سیاسی دارد وشکایت علیه خامنه آنرا نقض کرده است؟

تمام مسئولین حکومت ایران از صدر تا ذیل (۴۰۰ هزار «نفر» آخوند) تخم وترکه های اعراب متجاوز به ایران بوده وهستند وبر ایران وملت ایران حکومت خودسرانه دارند آیا هنوز هم ایران استقلال سیاسی دارد و این استقلال محکم سیاسی!! با شکایت علیه خامنه ای برباد رفت؟ واقعا که مردم بهانه جو ومستعد فعل وگفتار نامردان هستيد.

ماهیت حقوقی نامه هشدار

ماهیت حقوقی نامه هشدار، نه هشدار است ونه انتقاد بلکه صورت حکم را دارد. زیرا همانند ادعای نامه موارد اتهامی را مورد تانید قراردادده وحکم مجازات را هم اعلام کرده است؛ النهایه نوع حکم، تعلیق مجازات، بر اعلام برائت متهم است که اگر متهم (شاهزاده آنها) اقدام به اعلام برائت نکند حکم مجازات درباره او اجرا خواهدشد. میدانید حکم مجازات درباره شاهزاده آنها در حکم (نامه هشدار) چی هست؟؟

حکم این است:

<شاهزاده (اگر اعلام برائت نکند)ب ه جرگه دشمنان وجودی ایران درآمده است>

خواننده محترم جزای دشمنان وجودی چه چیزی است جزمگ ونابودی؟

عجیب است، خجالت هم نمیکشند ومدعی اند که نامه مزبور یک نامه انتقادی است (رودست) همانند آن است که کسی با کارد تکه، تکه شود وبعد عامل جنایت مدعی شود که طرف را قفلک دادم.

(پایان نقد قسمت معرفی شده از نامه هشدار)

۱ - اگر این مورد نقش استقلال سیاسی کشور بوده چرا ۵۲ تن (حالا شده ۵۱ تن) هرگز به آن مورد اعتراض نکرده اند و تنها اعتراض خودشان را در هشدار مطرح میکنند. آیا این نقض غرض نیست؟؟ ح-ک

فصل برائت

از متغیرهای ثابت نامه هشدار، که بسیار سنگین است خواستن برائت اعلیحضرت از اقداماتی است که در نامه مزبور بشرح رفته است.

✓ برائت که به معنای توبه و پاک شدن از گناه در حقوق اسلامی است و در حقوق مدرن به معنای بازگشت به اصل است وقتی ظهور پیدا میکند که عمل شخصی بموجب حکم دادگاه جرم و خلاف شناخته شود. که آنرا میگویند برائت قانونی. نوع دیگر برائت هم هست که برائت اخلاقی و وجدانی است که انسان در مقابل خدا و یا وجدان خود اظهار ندامت و برائت یعنی تعهد دوری از کار نادرست میکند. کار نادرست در این مقوله متوجه کارهای شرعی است که شرع مقرر کرده است.

در مقابل برائت، اصل استصحاب قرار دارد یعنی هیچکس مجرم شناخته نمیشود مگر اینکه حکم دادگاه مستند به قانون موضوعه صادر شده باشد؛ بنابراین، برائت نمیتواند جامعیت پیدا کند الا آنکه حکم دادگاه متهم را محکوم کرده باشد.

اصول، زیربنای برائت

آنچه درباره برائت عرض شد متأثر از نص و اصول است و رساگر این منطق اصولی و قابل احترام است که برائت خواستن از دیگران امری نیست که در حیطه اقتدار افراد باشد و از آنجا که اثبات جرم در اختیار افراد نیست، تحمیل برائت هم در اختیار افراد نیست.

آیا این رویداد اصولی است که چند نفر مجهول الهویه امر برائت را بر کسی تحمیل کنند! و اگر آن شخص مقاومت کند با واکنش های نفرینی روبرو شود؟ این کار معمول حیدر، حیدری و نعمت، نعمتی از یادگارهای ایام صفویه بوده که فاقد منشاء حقوقی، و ناشی از تعصبات عوامانه بوده است. حیرانم از کسانی که اصول را زیر بنای نامه هشدار خود قرار داده اند، ولی به دوران حیدری و نعمتی باز گشته اند.

در جریان شورش ۵۷ و یا زمان بابی کُشی هم تحمیل برائت بسیار معمول شد و هر که مرگ بر شاه نمیگفت با عذاب و شکنجه روبرو میگردید. همان پرسش از زندانیان سال ۶۷ که سر موضع هستی یا خیر، و هر کس که دانسته یا ندانسته که موضع یعنی چه و نمیگفت که سر موضع نیستم اعدام گردید از روش تحمیل برائت استفاده شده بود.

به کدام ساز باید رقصید

تعداد ۵۱ نفر (۵۴ نفر در نامه منهای سه تن کنار کشیده) حکم برائت از کسی خواستن که آن فرد هم یک شخصیت سیاسی است فرض کنید که آن شخصیت سیاسی به حکم برائت تمکین کامل کرد یعنی جای حرفی باقی نماند و تمام آن ۵۱ «نفر» که دیدید بخشی از آنها مردمی هر هری، دمدمی، بی پرنسیب و فاقد اعتبار قضائی و نظر میباشند، مسئله برائت جستن آن شخصیت را تائید و جشن هم گرفتند. اگر بعد از آن برائت، عده دیگری با تعداد زیاد تری اقدام برائت جسته را انحراف تلقی کردند و خواستار برائت مجدد آن شخصیت شدند و این مسئله همچنان دوام یافت مسنول این حیدر نعمتی کیست و آیا آن شخصیت باید تاکی و به ساز کدام دسته برقصد؟

آیا تعداد ۵۱ تن آدم هائی که حال و احوال و اعتبار آنها در کلام، معلوم شده (مشت نمونه خروار است) واجد این صلاحیت هستند که نه یک شخصیت سیاسی معتبر، بلکه حتی یک فرد کوچک و ناچیزی را وادار به برائت خواهی کنند؟ فکرمیکنم پاسخ این مهم را باید از آقای حمیئ وحدتی، احدی از همان دوسره بارکن ها که یک سر هم در اف بی ای آمریکا دارد پرسید (از نامه خود آقای وحدتی).

گفته اند که اوضاع آنقدر خرتو خر است که خرهم صاحبش را نمیشناسد ولی نه آنقدر که چند تن آدم بادی، طوفان! براه بیانازند.

مفهوم برائت چیست

✓ تصور ممکن است بر این باشد، کسانی که نامه هشدار را امضا کرده اند و همچنین آقایان امید دانا و غلامعلی امیرابراهیمی که دفاع از آن نامه را مدعی هستند؛ عالما و عملا به معنا و مفهوم برائت توجه درست نداشته اند چرا که تحمیل برائت به افراد یک عمل کاملا غیر انسانی است که حتی اسلام هم که دهانه اسلام را بنام امر به معروف بدست عوام داده اجازه نداده که امر معروف کننده طرف را اجبار به برائت کند.

✓ اجبار به برائت یعنی خلع سلاح انسان از اعتقادی که دارد و این خود جنایتی بالا تر از جنایت نفس است بسیاری افراد با ایمان و معتقد حتی با سخت ترین شکنجه ها حاضر به اعلام برائت نشده اند و نمیشوند (بابک خرمدین- ابن مقفع، حسن بن منصور حلاج) بیشتر کسانی که در جمهوری اسلامی اعدام شدند خاصه برخی از امیران ارتش شاهنشاهی (تیمسار رحیمی، تیمسار خسرو داد، ...) حاضر به اعلام برائت نبودند و گرنه ممکن بود اعدام نشوند. همه کسانی که زیر شکنجه کشته میشوند ناشی از مقاومت در مقابل برائت است.

✓ آدم های بی اعتقاد، دو رو و ریاکار نمیدانند که اعلام برائت یک مجازات معنوی است که شخص برخود تحمیل میکند و کسی که اعلام برائت کرد از جمع دوستان و هواداران خود بریده و به جمع دشمنان دوستان اعتقادی خود پیوسته است و این نامردی، کار مردان معتقد نیست.

معنای عامیانه برائت؛ «غلط کردن و گه خوردن» است. همان است که عبید زاکانی گفته است: حست بودم اگر گهی خوردم گه فراوان خورند مستاناً.

✓ در زمان قدیم وقتی کسی را چوب فلک میکردند اگر طرف خطای کوچکی کرده بود (تعزیرات) آنکه مجری چوب فلک بود با هر ضربه ای میگفت: «بگو؛ غلط کردم» که طرف هم اگر اهل مقاومت نبود آنرا تکرار میکرد و گه خوردن را هم اضافه میکرد! این عمل چیزی جز اعلام برائت نبود.

✓ کسانی مدعی شده اند که تایید کنندگان نامه هشدار همه دوستدار شاهزاده هستند^۲ و یکی از آنها بنام آقای مصطفی عرب سوگندش، شاهزاده است (از برنامه آقای شهرام همایون) آیا دوستداران رضاپهلوی!! حاضرند قدری از فضولات خودشان را بخورند و یا به فرزندانشان بدهند آنهم

محرمانه؟ که آنها اصرار دارند نماد ملی و هویت ایرانیان علنا و در مقابل عامه مردم آنرا مصرف کند؟ (اعلام برائت کند).

✓ آقای مسعود صدر (تلویزیون پارس) و رودست؛ نامه هشدار را یک انتقاد و تائید کنندگان آن نامه را انتقاد کنندگان معرفی کردند؛ کاش چنین بود ولی نبود و انتقاد همراه با تهدید به برائت، انتقاد نیست. انتقاد نفرین و التیماutom ندارد. انتقاد پیشداوری ندارد، انتقاد سفیردوست خدمت دوست است و از تهدید و ارباب و بد دهنی و اتهام زدن پرهیز دارد.

رابطه دوستی در نامه هشدار

آقای شهرام همایون فصل مشبهی از دوستی و عشق و علاقه تائید کنندگان نامه به شخص شاهزاده نمونه آوردند و این نتیجه را گرفتند که نامه هشدار براساس علاقه به شاهزاده تنظیم شده است.

آری آقای شهرام همایون، انسان مرغ خانه اش را هم دوست دارد ولی در راه جاه طلبی و خود نمائی سر آن مرغ را میبرد و درمهمیانی اسباب تشخص و خونمائی میسازد. تائید کنندگان نامه هشدار، خفت عام را بر شاهزاده!! (به زغم خودشان) تحمیل کرده اند که **بنمایشی منجر شد که تائید کنندگان نامه روی صحنه آمدند و مطرح شدند.** کما اینکه در برنامه آقای شهرام همایون چه تعریف و تمجید هائی از آنها شد که آنها خوابش را هم نمیدیدند.

آدم معتقد به حقانیت سلطنت ممکن نیست که حاضر شود یادشاه کشورش را که میداند در اسارت آمریکائی هاست به خفت غلط کردم (برائت) دعوت کند.

ارکان برائت

برائت از کار غیر اصولی ارکانی دارد که نخستین آن حکم اصولی بودن آن کار و رکن دوم، برائت گیرنده است که کسی است که مجری نظارت و تشخیص کار اصولی از کار غیر اصولی است.

این کسانی که مدعی حمایت از آن نامه هشدار هستند نه ادعایشان اصولی است و نه مقامی هستند که برائت پذیر شناخته شوند. در سال ۲۰۱۲ باد از آن جهت بود مدافع دعوای علیه خامنه ای و مشوق مجری طرح بودند و اکنون باد از طرف نقار و کینه توزی و بی بند و باری آمده، محکوم کننده همان مجری طرح تعقیب خامنه ای به اضافه اینکه مقام برائت پذیری را هم بخود داده اند (موش به سوراخ نمیرفت جارو به دنبش هم بسته بود).

مقاومت در مقابل برائت

توده مردم عوام درگیر تعصبات، در صورتی که شخص در مقابل اعلام برائت خود مقاومت کند او را قطعه، قطعه میکنند (فاجعه مشهد و افسر ساواک). مقامات قضائی و پلیسی در صورتی که شخص اعلام برائت نکند و مقاومت کند آن شخص مقاوم را سخت مجازات و یا اعدام میکنند؛ اینجا این سوال مطرح است:

در صورتی که شاهزاده!! به درخواست هشدار دهنده ها به اعلام برائت تن ندادند هشدار دهندگان و آقایان امید دانا و امیر ابراهیمی چه خواهند کرد به همان نفرین ها کفایت میکنند و یا یک کار عمومی (کلکتیو از افاضه های آقای امیر ابراهیمی) انجام میدهند البته یک سابقه ای از شهرام همایون هست که گفت:

<بالاخره رضا پهلوی هست چکارش کنیم سمش بدیم> (از برنامه خدا حافظی از شنندگان) آیا از همین سابقه والگو پیروی خواهند کرد و یا خیر اصل قضیه را فراموش میکنند یعنی راضی میشوند که استقلال سیاسی!، وحدت ملی، تمامیت ارضی ایران بوسیله شاهزاده!! برباد برود؟

دو مقوله مجزا

بدبختی آنجاست که بعد از ۳۷ سال کار سیاسی (خواندن نوشتن و گفتن) نمیدانیم که کار سیاسی بر بهنه های عشق و دوستی حرکت اساسی و حقیقی ندارد بلکه درهماهنگی اعتقاد و قانون حرکت دارد. اعتقاد بدیده ای نیست که به شخص وابسته باشد بلکه حتما شخص است که به اعتقاد پیوند خورده است، دوست داشتن دیگران یک امر عاطفی و موسمی است نه کار سیاسی و اعتقادی. دوست داشتن دیگران موجد ایجاد اعتقاد نمیشود و حتی لازمه اعتقاد داشتن به عقیده ای ملازمه با دوست داشتن صاحبان آن عقیده هم نیست. بنابراین دوست داشتن شاهزاده!! هیچ ارتباطی به اعتقاد حقانیت به سلطنت و تلاش برای حفظ و بازگشت آن ندارد.

مقصود از این مختصر این است که نمیشود در لباس دوستی شاهزاده! روی اعتقاد به قانون اساسی و حقانیت سلطنت و تداوم آن پل زد. مقصود این است که مقوله دوست داشتن خاندان پهلوی بامقوله اعتقاد به حقانیت سلطنت و تداوم آن برای ایرانیان دو مقوله مجزاست.

بحث ایمان دگرو جوهر ایمان دگراست جامه پاکی دگرو پاکی دامان دگراست



دوستی خاله خرسه....